

## درس یک معرفت آفریدگار

واژه نامه	
پرستیدن : عبادت کردن	خلق : مردم – انسان – آفریده
مرغزار : چمنزار	سپاس داری : سپاس گزاری – شکرگزاری
گردون : آسمان	مخلوق : خلق شده – آفریده شده
ربیع : بهار	غنیمت شمردن : قدر فرصت را دانستن
خیز : برخیز – بلند شو	غفلت : بی خبری – فراموشی
جنبش : حرکت و تکان	زار : ناتوان
لاله زار : جایی که لاله فراوان می روید	موزون : آهنگین – دارای وزن
معرفت : شناخت – دانش	قمری : نوعی پرنده کوچک تر از کبوتر
کردگار : آفریننده – خالق	هوشیار : باهوش – عاقل
دفتر : در اینجا منظور کتاب است	

### نکته های دستوری

جمله: جمله به مجموع چند کلمه می گویند که مفهومی داشته باشد و پیامی را از گوینده شنونده منتقل کند.

✓ **جمله ی خبری:** جمله ای است که خبری را بیان می کند. در پایان جمله خبری نقطه می گذاریم.

مانند: پدرم به سفر رفت.

✓ **جمله ی امری:** جمله ای است که در آن درخواست ، خواهشی یا فرمانی، بیان می شود و در پایان جمله امری

نقطه می گذاریم. مانند: در را ببند.      لطفا کتاب را بردار.

✓ **جمله ی عاطفی (تعجبی):** جمله ای است که یکی از عواطف واحساسات انسانی مثل: تعجب، تأسف،

تحسین، خشنودی، آرزو، دعا، خشم، نفرت ، شادی و غم را بیان می کند. در پایان جمله عاطفی نشانه ی تعجب (!)

می گذاریم. ✓

مانند: چه هوای سردی!      آفرین! کارت درست بود.

**جمله ی پرسشی:** جمله ای که در آن پرسشی مطرح شده باشد. در پایان جمله پرسشی نشانه ی (?) می گذاریم.

مانند: چرا آسمان آبی است؟

جمله ی پرسشی معمولاً با کلمه های پرسشی آغاز می شود. (آیا ، چگونه ، چرا ، چه و...)

**الف) درست یا نادرست بودن جمله های زیر را مشخص کنید.**

۱- در پایان جمله دستوری یا امری نقطه می گذاریم.

۲- در پایان جمله پرسشی، نشانه ی «؟» می گذارند.

۳- «!» علامت جمله ی تعجبی است.

**ب) جمله ها و کلمه های مناسب را به یکدیگر وصل کنید.**

- جمله ای که در آن فرمانی بیان می شود.
- جمله ای که خبری را بیان می کند.
- جمله ای که بیانگر احساس شگفتی است.
- جمله ی امری
- جمله ی خبری
- جمله ی تعجبی
- جمله ی پرسشی

**پ) جاهای خالی را با استفاده از کلمه های داخل ابر کامل کنید. (یک واژه اضافه است.)**



۱- خیز و ..... شمار، جنبش باد ربیع.

۲- به نام آن که جان را ..... آموخت.

۳- حق اندر وی، ز..... است پنهان.

**ج) تا با دیدن هر کدام از واژه های زیر، چه واژه های دیگری به ذهنتان می رسد.**

تفکر

بهار

مشاجره

جنبش

## معنی درس :

این آفریده هایی که می بینید بسیار زیاد هستند، همه ی این هارا، آفریننده ای آفریده که خداوند می باشد و نعمت های ما از ایشان است. آفریدگار را باید بپرستیم و از نعمت های او شکرگزاری و تشکر کنیم. فکر کردن درباره ی آفریننده و آفریده شده، باعث شناخت خداوند می شود و فکر نکردن و نادانی کردن باعث دوری از خدا می شود و نتیجه نادانی، گمراهی است.

## بدانیم:

### سعدی :

ابومحمد مُشرف الدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرّف، متخلّص به سعدی (۶۹۰-۶۰۶) هجری قمری شاعر و نویسنده ی پارسی گوی ایرانی است. اهل ادب به او لقب استادِ سخن، پادشاهِ سخن، شیخِ اجل و حتی به طور مطلق، استاد داده اند. او در نظامیه ی بغداد، که مهم ترین مرکز علم و دانش جهان اسلام در آن زمان به حساب می آمد، تحصیل و پس از آن به عنوان خطیب (سخنران) به مناطق مختلفی از جمله شام و حجاز سفر کرد. سعدی سپس به زادگاه خود شیراز، برگشت و تا پایان عمر در آنجا اقامت گزید. آرامگاه وی در شیراز واقع شده است که به سعدیه معروف است. بسیاری از ضرب المثل های رایج در زبان فارسی از آثار وی گرفته شده است.

### معنی شعر :

#### بیت اول

۱ - باد بهاری از طرف سبزه زار وزید (معنی مصراع اول)

باز صدای پرندگان به آسمان بلند شد. (معنی مصراع دوم)

#### بیت دوم

۲ - برخیز و از وزش باد بهاری، آواز زیبای پرنده ها و بوی خوب گل ها استفاده کن و قدر آن را بدان. (معنی مصراع اول)

صدای آهنگین پرندگان و بوی خوب گل ها. (معنی مصراع دوم)

## بیت سوم

۳- هر چیزی که در دنیا هست، از خداوند یاد می کند. (معنی مصراع اول)

بلبل و قمری و دیگر پرندگان با صدای زیبای خود چه چیزی را یادآوری کردند؟ یاد خداوند (آفریدگار) (معنی مصراع دوم)

## بیت چهارم

۴- برگ درختان سبز، در نظر انسان عاقل (معنی مصراع اول)

مانند صفحه های دفتری است که به آن نگاه می کند و به شناخت خداوند می رسد. (معنی مصراع دوم)

## نکته :

برای موزون تر شدن وزیبا و آهنگین تر شدن شعر، گاهی جای اجزای آن تغییر می کنند. مثلا: گاهی اوقات فعل به جای آخر جمله در اول یا وسط جمله قرار می گیرد.

مانند:

باز به گردون «رسید» ناله ی هر مرغزار (وسط جمله)

«می ریختم» تمام جهان را به پای تو (اول جمله)

د) جمله خبری را مشخص کنید و با آن یک جمله پرسشی بسازید.

امروز باران بارید.

کتاب فارسی خود را چقدر خوانده ای؟

مزن بر سر ناتوان دست زور که روزی به پایش بیفتی چو مور

عجب منظره زیبایی!

به منظره کوهستان پر از برف نگاه کن.



.....  
.....

